

مقاله پژوهشی

ارزیابی تطبیقی قابلیت زیست‌پذیری پایدار محلات شهری

(مورد پژوهی: محلات کارکنان شرکت نفت و سادات شهر دوگنبدان)

حسین جنتی، پژوهشگر دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران
احمد استقلال، استادیار گروه شهرسازی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران
سید علی‌المدرسی، دانشیار گروه سنجش از دور و جی‌ای‌اس، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران
محمدرضا رضایی، دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد، یزد، ایران
ملیحه ذاکریان، استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

چکیده

امروزه، زیست‌پذیری شهری و ارتقاء آن، به هدف اصلی بسیاری از سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات مدیران شهری تبدیل شده و به‌عنوان شاخصی برای ارزیابی و نظارت بر عملکرد تصمیم‌گیران و مدیران مورد استفاده قرار می‌گیرد. رویکرد زیست‌پذیری را می‌توان برآمده از افزایش آگاهی نسبت به الگوهای ناپایدار زندگی شهری دانست که در درازمدت موجب کاهش توان منابع محیطی شده و شرایط زندگی شهری را سخت می‌کند. این پژوهش با هدف آسیب‌شناسی مهم‌ترین دلایل افت کیفیت زیست‌پذیری در محلات شهر دوگنبدان با تأکید بر محلات کارکنان شرکت نفت و سادات با روش توصیفی تحلیلی به شکل استنادی و پیمایشی و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS انجام گرفت. به‌منظور برآورد حجم نمونه پرسشنامه از فرمول کوکران و برای روایی از فرمول آلفای کرونباخ و برای تکمیل آن از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. جامعه آماری شامل سرپرست خانوار، مالکان، سرمایه‌گذاران، مسئولین و مدیران شهری دوگنبدان بوده و به تعداد ۲۰۰ نفر مورد پرسش قرار گرفتند. نتایج نشان می‌دهد در تمامی مؤلفه‌های زیست‌پذیری وضعیت حاکم بر محلات شهر دوگنبدان نامطلوب است؛ به‌ویژه زمانی که، همین مؤلفه‌ها در سطح یک محله نسبتاً برخوردار و یک محله‌ی دارای بافت فرسوده و قدیمی بررسی شد؛ ملاحظه گردید که، این شکاف و ناپایداری در بین محلات در حال تشدید شدن می‌باشد. از سوی دیگر، یافته‌های تحقیق، تأییدکننده‌ی این مطلب است که امروزه، محلات شهر دوگنبدان در مسیر پایداری قرار ندارند.

کلمات کلیدی: پایداری، دوگنبدان، زیست‌پذیری، کیفیت زندگی.

مقدمه

افزایش جمعیت و مهاجرت‌های گسترده روستاییان به شهر و نبود برنامه‌ریزی‌های دقیق منجر به گسترش بی‌رویه و کنترل نشده شهری و شکل‌گیری بافت‌های ناکارآمد گردیده است، به طوری که، بافت شهرها از لحاظ نظم فضایی و همچنین، پراکندگی مناسب خدمات، دچار آسیب گردیده است (عندلیب، ۱۳۸۶)؛ و شهر و شهروند کنونی را با تهدیدهای بسیار جدی بحران هویت، از خودبیگانگی و سرگشتگی مواجه می‌سازد و مفهوم شهر و زندگی شهری را تنها در حد مکانی برای تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای مادی انسانی به شدت تنزل می‌دهد.

تداوم این‌گونه رشد شهرنشینی با مشکلات متعدد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی بحران آفرین بوده و هشدار بر ناپایداری شهرها می‌باشد. در این میان، کیفیت زندگی و به تبع آن، زیست‌پذیری در شهرها را به شدت کاهش می‌دهد. بنابراین، ضرورت و اهمیت بحث زیست‌پذیری و توسعه پایدار امروزه، در شهرها کاملاً نمایان است (ساسان‌پور و همکاران، ۱۳۹۳). از سویی دیگر، در مواجهه با مسائل شهری، پرداختن به نظریه‌های جدید شهرسازی مانند شهر زیست‌پذیر، با اهدافی مانند حل مشکلات شهری، ارتقای کیفیت زندگی در شهر، کارآمدی مدیریت شهری و راهبری شهر به سوی مطلوبیت بیشتر با احترام به ارزش‌های بومی و محلی، بیش از پیش اهمیت یافته است (محمدی، ۱۳۹۱).

رویکرد زیست‌پذیری شهری به موازات توسعه پایدار در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی، به دنبال ایجاد فرصت‌های برابر زندگی برای همه ساکنان شهرهاست. زیست‌پذیری در معنای کلی، به مفهوم دستیابی به قابلیت زندگی بهتر است و در واقع، می‌توان آن را دستیابی به کیفیت برنامه‌ریزی شهری خوب یا مکان پایدار دانست. امروزه، زیست‌پذیری نقشی اساسی در حیات و رشد شهرها و کیفیت زندگی شهروندان دارد (روزماری^۱، ۲۰۰۵). اهمیت این موضوع زمانی روشن‌تر می‌شود که توجه کنیم بخش‌های

¹ Rosemary

زیادی از جمعیت ایران (بیش از ۷۵ درصد) در شهرها زندگی می‌کنند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

خاستگاه مفهوم شهر زیست‌پذیر به یونان باستان برمی‌گردد که اشخاصی در پی ارتقای ایدئولوژی و مفهوم انصاف و عدالت بودند (های‌یان^۱ و همکاران، ۲۰۰۲). با این حال، مفهوم نوین زیست‌پذیری به دهه‌ی ۱۹۵۰ برمی‌گردد؛ زمانی که، مفهوم زیست‌پذیری در جامعه‌شناسی شهری و روستایی در تجزیه و تحلیل کاهش اجتماعات روستایی کوچک در تقابل با شهرنشینی سریع به کار برده می‌شد (فهی^۲ و همکاران، ۲۰۱۳).

نظریه زیست‌پذیری برای اولین بار بر مبنای بررسی آبراهام مازلو^۳ (۱۹۴۵)، درباره‌ی نیازهای انسانی شکل گرفت (رادکلیف^۴، ۲۰۰۱)؛ اما، واژه‌ی شهرهای قابل‌زیست یا همان زیست‌پذیر در ادبیات و مفهومی عمومی در طول دهه ۱۹۸۰، در رابطه با رشد نگرانی‌های محیطی و افزایش رقابت میان شهرهای جهان برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و پیشرفت‌های اقتصادی آنان پدیدار شد (ای، آی یو^۵، ۲۰۱۴).

اصطلاح زیست‌پذیری نیز از زمانی که "شهرهای زیست‌پذیر" توسط لوزان هنری لفاردی^۶ در سال ۱۹۸۷ منتشر شد، رسماً وارد ادبیات شهرسازی گردید. علاوه بر حیطه برنامه‌ریزی شهری، این اصطلاح در رقابت‌های سیاسی بین شهرها از طریق تعیین سالانه زیست‌پذیرترین شهرهای جهان واژه‌ای شناخته شده است (بندرآباد، ۱۳۹۰). پیدایش این نظریه تا آنجایی حائز اهمیت است که دیوید گادشالک^۷ (۲۰۰۴)، زیست‌پذیری را یکی از بزرگترین ایده‌های برنامه‌ریزی شهری در دوران معاصر می‌داند (ساسان‌پور و جعفری‌اسدآبادی، ۱۳۹۲).

¹ Hai-yan

² Fahey

³ Abraham Maslow

⁴ Radcliffe

⁵ EIU(Economist Intelligence unit)

⁶ lauzon henry lefardy

⁷ David R. Godschalk

جایگاه اولیه شکل‌گیری مطالعات آکادمیک زیست‌پذیری، مؤسسه فناوری ماساچوست و پس از آن دانشگاه کالیفرنیا در برکلی بود که هر دو برای مدت‌های طولانی از مراکز مهم مطالعات زیست‌پذیری به شمار می‌آمدند (قنبری و همکاران، ۱۳۹۵). آثار کوین لینچ^۱ که ابتدا برای شناخت اجزای شهر خاطره‌انگیز و بعدها در جهت معرفی مجموعه‌ای از ابعاد کارایی، سرزندگی، دسترسی، نظارت و عدالت شهری مطرح شد را می‌توان از پیشروترین اقدامات صورت گرفته در این رویکرد دانست.

عوامل متعددی در زیست‌پذیری، سرزندگی و ارتقای کیفیت بافت ناکارآمد شهری تأثیر دارند که از جمله آن‌ها، می‌توان به حضور مردم، کاربری مختلط، مسکن، ایمنی و امنیت، حس تعلق، کارایی و محیط‌زیست اشاره کرد (قنبری و همکاران، ۱۳۹۵). در واقع، مطالعات نشان می‌دهد که از یک‌سو، ضرورت و اهمیت پرداختن به زیست‌پذیری شهری در ارتباط با وظایف جدید برنامه‌ریزی در پاسخ‌دهی به نیازهای جامعه‌ی پس از صنعتی شدن به شدت افزایش یافته است و از سوی دیگر، زیست‌پذیری به جهت تهدیدهای پیش‌روی زندگی شهری امروز نیز اهمیتی دوچندان یافته است (ولر^۲، ۲۰۰۱).

زیست‌پذیری مفهومی کلی بدون یک تعریف مشخص و دقیق، مورد توافق همگان است گاهی، هم‌معنی با کیفیت زندگی استفاده شده است و گاهی اوقات نیز، به مفهوم رفاه اجتماعی مرتبط شده است (سایتلوانگا^۳، ۲۰۱۳). زیست‌پذیری یک مفهوم عام برای تنوعی از معانی است؛ یعنی زیست‌پذیری هم به هدف سنجش و هم به دیدگاه اشخاصی وابسته است که سنجش‌ها را ایجاد می‌کنند. بر این اساس، اکثر پژوهش‌ها تأیید می‌کنند که زیست‌پذیری به محیط‌زیست از دیدگاه اشخاص اشاره دارد و شامل ارزیابی ذهنی از کیفیت مکان است (شمس‌الدین^۴، ۲۰۱۲). اکونومیست^۵ (۲۰۱۱)، زیست‌پذیری را به‌عنوان یکی از جنبه‌هایی که می‌تواند به کیفیت بالای زندگی کمک کند، تعریف می‌کند.

¹ Kevin A. Lynch

² Wheeler

³ Saitluanga

⁴ Shamsuddin

⁵ Economist

همان‌طور که از تعاریف فوق مشخص است؛ زیست‌پذیری مفهومی کلی است که با برخی از مفاهیم و اصطلاحات دیگر همچون پایداری، کیفیت زندگی و کیفیت مکان و اجتماعات سالم مرتبط است (خراسانی و همکاران، ۱۳۹۱). از دیدگاه روانشناسی محیطی، زیست‌پذیری به‌عنوان تجربه‌ی افراد و توانایی انجام عمل و لذت بردن از مکان تعریف شده است (هاروپ^۱، ۲۰۰۵).

به‌طور کلی، تعریف زیست‌پذیری و اجتماع زیست‌پذیر شامل مجموعه متنوعی از موضوعات مختلف است که به‌وسیله یک سری اصول راهنما بیان می‌شوند، مانند دسترسی، برابری و مشارکت که مفاهیم مربوط به زیست‌پذیری بر مبنای آنها شکل می‌گیرند (ساسان‌پور و همکاران، ۱۳۹۴). زیست‌پذیری، به یک سیستم شهری که در آن به سلامت اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و روانی همه ساکنانش توجه شده است، اطلاق می‌شود. اصول کلیدی که به این مفهوم استحکام می‌بخشد شامل: برابری، عدالت، امنیت، مشارکت، تفرج و قدرت بخشیدن می‌باشد (سیتی پلاس^۲، ۲۰۱۳).

در شهر زیست‌پذیر هم عناصر اجتماعی و هم عناصر کالبدی باید برای پیشرفت و سلامت محله و تک‌تک افراد عضو آن تلاش نمایند (سالزانو^۳، ۱۹۹۷). در جدول ۱، به رابطه زیست‌پذیری شهری با کیفیت زندگی پرداخته شده است.

شهر دوگنبدان واقع در شهرستان گچساران در بخش جنوبی استان کهگیلویه و بویراحمد از زمان آغاز استخراج نفت در این منطقه به دو ناحیه مسکونی متفاوت از لحاظ وضعیت معیشت تقسیم گردید. یک ناحیه مربوط به کارکنان شرکت نفت و گاز و دیگری محل اسکان بومیان منطقه بود. در این تقسیم‌بندی و اسکان، کارکنان شرکت نفت ضمن ارائه انواع خدمات رایگان، در زمین‌های مسطح و خیابان‌های عریض که بر طبق استانداردهای جهانی احداث شده بودند (و تاکنون نیز این خدمات ادامه دارد) اسکان داده شدند و از

¹ Harrop

² Cities plus

³ Salzano

آن طرف، بومیان منطقه به دامنه تپه‌های مجاور شهر دوگنبدان بنا به دلایلی نامعلوم اسکان یافتند که مؤید نوعی بی‌عدالتی فضایی در شهر می‌باشد.

جدول ۱- رابطه زیست‌پذیری شهری با کیفیت زندگی

مفهوم	عوامل زیست‌پذیری	منافع کیفیت زندگی
توسعه اقتصادی	دسترسی به کار و خدمات و خواروبار	درآمد مناسب، اوقات فراغت مطلوب
مسکن	وجود مسکن، محل مناسب آن و تنوع آنها	داشتن سرپناه، امنیت و ایمنی
کیفیت محیط	کیفیت هوا، زیبایی‌شناسی، سروصدا، کیفیت آب، گازهای گلخانه‌ای، پارک‌ها و فضاهای باز	سلامت فیزیکی و ذهنی، حفاظت در برابر برخی بلاهای طبیعی
توسعه اجتماعی	انسجام اجتماعی، منابع تاریخی و فرهنگی، فرصت‌های آموزشی	احساس تعلق مکانی تاب‌آوری، سرمایه اجتماعی، تحرک اجتماعی
حمل و نقل	دسترسی به شبکه خطوط دارای تلاقی متعدد، جابه‌جایی امنیت، دسترسی به کار، مسکن و خدمات، جاذبه خیابان‌ها	مستقل بودن جابه‌جایی، زمان حرکت قابل اعتماد و مطلوب، بهداشت فیزیکی و روانی
برابری	توزیع عادلانه خدمات	احساس امنیت اجتماعی، قرار داشتن در معرض عقاید مختلف

منبع: وان زر و سسکین^۱، ۲۰۱۱

با توجه به مطالب گفته شده، به نظر می‌رسد، بین مؤلفه‌های کالبدی- زیست محیطی، پایگاه معیشتی- اقتصادی و پایگاه اجتماعی شهروندان در زیست‌پذیری محلات شهر دوگنبدان ارتباط وجود دارد. لذا، این پژوهش، قصد دارد تا مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر ارتقای زیست‌پذیری شهری با تأکید بر ابعاد کالبدی، فضایی، اجتماعی و فرهنگی را بررسی و آسیب‌شناسی نموده و نهایتاً، راهکارهایی را جهت کاهش بی‌عدالتی فضایی و ارتقاء زیست‌پذیری این محلات ارائه نماید.

^۱ Van Zerr & Seskin

داده‌ها و روش‌ها

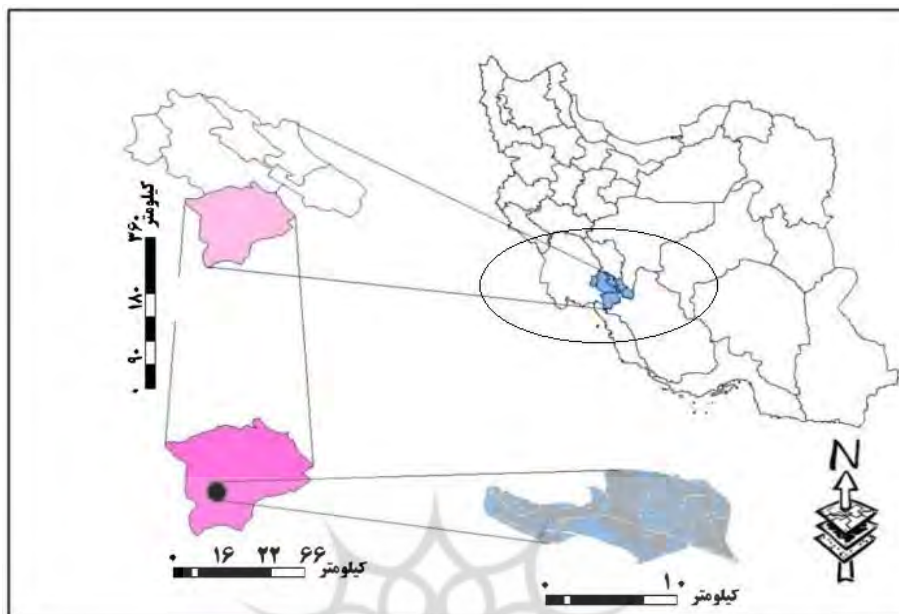
تحقیق حاضر، یک مطالعه توصیفی-تحلیلی و کاربردی است. روش گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر، ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌ای و روش میدانی بوده است. برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ با ضریب ۰,۷ استفاده شده و برای تعیین اعتبار روایی و محتوای آن پرسشنامه تهیه شده، با استادان راهنما و نخبگان دانشگاهی مرتبط بررسی شده است. داده‌ها و اطلاعات موردنیاز پژوهش، از طریق نرم‌افزارهای تحلیلی SPSS و AMOS مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش، جمعیت محلات سادات (بافت قدیمی) و کارکنان شرکت نفت (جدید) شهر دوگنبدان به تعداد بیش از ۲۲ هزار نفر می‌باشد. روش برآورد حجم نمونه کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده و جامعه‌ی پرسش‌شونده (۲۰۰ نفر) سرپرست خانوار، مالکان، سرمایه‌گذاران، مسئولین و مدیران شهری دوگنبدان بوده‌اند.

شناخت محدوده مورد مطالعه

شهر دوگنبدان در ارتفاع ۷۲۰ متری از سطح دریا با مساحتی بالغ بر ۱۸ کیلومتر مربع در وضع موجود و در ۱۵۷ کیلومتری جنوب غربی شهر یاسوج (مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد) قرار گرفته و مطابق با سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیتی معادل ۹۶۷۲۸ نفر را دارا می‌باشد. طبق نظریه باستان‌شناسان و پژوهشگران در قسمت‌های شرقی و غربی این شهر، آثار باقیمانده از دو گنبد قدیمی وجود دارد و به علت وجود همین دو گنبد نام دوگنبدان برای این شهر انتخاب گردیده است. به لحاظ کالبدی شهر دوگنبدان توسط محور عبوری و تاریخی شیراز- اهواز (ممسنی- بهبهان) به دو قسمت شمالی- جنوبی تقسیم گردیده که ساختمان‌ها و محلات نوساز و جدیدالاحداث در قسمت شمالی و محلات قدیمی و بافت فرسوده و مستهلک‌شده شهر با مرکزیت قریه‌های قدیمی پره بالی و رادک در قسمت جنوبی قرار دارند. بافت آسیب‌پذیر و در معرض خطر شهر دوگنبدان در مساحتی بالغ بر ۱۶۰ هکتار، جمعیتی

بیش از ۲۲۰۰۰ نفر در بیش از ۵۳۰۰ واحد پراکنده می‌باشد (طرح بافت فرسوده مصوب شهر دوگنبدان، ۱۳۸۷)؛ که وجود واحدهای قدیمی و فرسوده و همچنین، شیب‌های زیاد و نبود دسترسی‌های مناسب در این محلات، باعث ایجاد معضلات اجتماعی و رفتاری در این محلات می‌گردد و از طرفی، با توجه به عدم مقاومت این واحدها در رخداد‌های طبیعی، احتمال ایجاد خسارات جانی و مالی برای ساکنین دور از ذهن نیست. امروزه، با قرار گرفتن تعداد زیادی از منازل مسکونی همین بومیان و سایر مهاجرین کم‌درآمد در محله‌های سادات، لبنان، رادک و خیابان‌های کیامرثی و امینی بر روی زمینی که غالباً صخره بوده و استانداردهای معماری و شهرسازی مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری در آن رعایت نشده، مشکلات متعددی گریبان‌گیر شهروندان شده است. این امر، منجر به نوعی بی‌عدالتی فضایی در دسترسی شهروندان به خدمات و امکانات شهری در محدوده‌ی قانونی شهر دوگنبدان گردید که در گذر زمان، نه تنها این بی‌عدالتی کاهش نیافت؛ بلکه، روز به روز شدت بیشتری یافت؛ به طوری که، امروزه، این محلات منجر به نوعی جدایی‌گزینی اکولوژیکی در بستر شهر شده و محلات شهری با محیط و بسترهای متفاوتی پدید آورده‌اند و منجر به افت شدید شاخص‌های کیفی محیط زندگی و زیست‌پذیری شهری در آنها شده است.

بافت فرسوده این شهر در منطقه ۱ واقع شده که در طرح تفصیلی شهر دوگنبدان، منطقه مذکور به سه ناحیه تقسیم گردیده است. ناحیه ۱-۳ شامل ۴ محله و ناحیه ۲-۱ شامل ۲ محله بوده که تمامی محلات ۱-۳ و محله ۲ از ناحیه ۲-۱ بافت فرسوده شهری می‌باشند.



شکل ۱- موقعیت شهر دوگنبدان در کشور و استان کهگیلویه و بویراحمد

بحث اصلی

به منظور ارزیابی قابلیت زیست‌پذیری و کیفیت زندگی پایدار محلات شهری در دوگنبدان بر اساس پیمایش میدانی در سطح محلات کارکنان شرکت نفت و سادات مؤلفه‌های متعددی در ابعاد کالبدی-فضایی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، زیرساختی و غیره مورد بررسی قرار گرفته و از طریق روش‌های آماری مختلف مورد تجزیه و تحلیل واقع شده‌اند که به ترتیب در ادامه‌ی بحث به آنها پرداخته شده است.

بنابراین، در گام نخست، برای مقایسه سطح اقتصادی شهروندان در نواحی محلات منتخب شهر دوگنبدان، ابتدا، به بررسی میزان رضایت‌مندی کلی شهروندان از وضعیت اقتصادی خانواده پرداخته، سپس مؤلفه‌های موجود در زمینه‌های اقتصادی در هر یک از محلات مورد آزمون و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جدول ۲- مقایسه میزان رضایت‌مندی ساکنان محلات منتخب از وضعیت اقتصادی با استفاده از کروسکال والیس

مؤلفه	ضریب معناداری	محلات	میانگین
رضایت‌مندی از وضعیت اقتصادی خانواده	۰/۰۰۰	شرکت نفت	۴/۰۱
		سادات	۱/۸۷

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

میانگین‌های بدست آمده از آزمون کروسکال‌والیس در جدول ۲ نشان‌دهنده میزان رضایت‌مندی بیشتر محله‌ی شرکت نفت با میانگین رتبه‌ای ۴/۰۱ و رضایت‌مندی کمتر شهروندان محله‌ی سادات با میانگین ۱/۸۷ می‌باشد. به عبارتی بهتر، رضایت‌مندی ساکنان محله‌ی شرکت نفت از وضعیت اقتصادی خانواده بیشتر از سایر نواحی شهر دوگنبدان و به‌ویژه محله‌ی سادات است. همچنین، نتایج آماری تفاوت معناداری را در سطح ۹۹ درصد نشان می‌دهد. شایان ذکر است که برای مقایسه هزینه و درآمد در محلات منتخب شهر دوگنبدان از آزمون یک‌طرفه و تست دانکن استفاده شده است.

جدول ۳- بررسی وضعیت اقتصادی شهروندان محلات منتخب شهر دوگنبدان با استفاده از آزمون F مستقل یک‌طرفه

مؤلفه	میانگین امتیاز	درجه آزادی	F	ضریب معناداری
درآمد	۲/۰۶۸	۲	۳/۷۵۸	۰/۰۲۵
هزینه	۳/۵۰۷	۲	۰/۷۷۷	۰/۴۶۱ NS

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

سطح معناداری ۹۵ درصد NS: عدم معناداری اطلاعات مندرج در جدول ۳ نشان‌دهنده تفاوت معنادار بین وضعیت اقتصادی محلات مختلف می‌باشد؛ به گونه‌ای که، ضریب معنادار ۹۵ درصد برای مؤلفه درآمد، گویای اختلاف سطح اقتصادی شهروندان محلات منتخب است. برای نمایش میزان اختلاف در

این محلات نیز از آزمون دانکن استفاده شده است و اطلاعات مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد که اختلاف معناداری که بین درآمد شهروندان در محلات مختلف وجود دارد مربوط به اختلاف محله‌ی شرکت نفت به‌عنوان طبقه اول با محله‌ی سادات به‌عنوان طبقه دوم است.

جدول ۴- گروه‌بندی سطح درآمد شهروندان محلات منتخب شهر دوگنبدان با استفاده از

آزمون F مستقل /تست دانکن

محللات	تعداد	مقدار زیرمجموعه‌ها برای ضریب معناداری ۹۵ درصد	
		طبقه اول	طبقه دوم
شرکت نفت	۹۲	۱۲۰۰۰۰۰	
سادات	۱۰۸		۴۶۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

علاوه بر موارد مذکور، برای سنجش میزان رضایت‌مندی شهروندان هریک محلات منتخب شهر دوگنبدان، به مقایسه محلات از نظر مؤلفه‌های مربوط به بعد اقتصادی پرداخته می‌شود که بدین منظور، از آزمون ناپارامتریک کروسکال والیس استفاده شده است.

اطلاعات مندرج در جدول بالا، نشان‌دهنده تفاوت معنادار در میزان رضایت‌مندی شهروندان محلات مذکور از مؤلفه‌های اقتصادی می‌باشد؛ به گونه‌ای که، برای بیشتر مؤلفه‌ها ضریب معنادار ۹۹ درصد به دست آمده است. میانگین‌های به دست آمده، نشان‌دهنده سطح رضایت‌مندی بالاتر محله‌ی شرکت نفت نسبت به دیگر محلات به‌ویژه محله‌ی سادات می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون کروسکال والیس مبین تفاوت معنی‌دار ۹۹ درصد برای تهیه کالاهای مصرفی است. در واقع، محله‌ی شرکت نفت با میانگین رتبه‌ای ۳/۷۱ در رتبه اول و محله‌ی سادات با میانگین رتبه‌ای ۲/۱۴ در جایگاه دوم قرار دارند.

دومین مؤلفه‌ای که تفاوت معنادار را نشان می‌دهد، مؤلفه امکان سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مختلف تولیدی است. در این مؤلفه نیز همانند مؤلفه قبلی، محله‌ی شرکت

نفت شهر دوگنبدان با میانگین رتبه‌ای ۳/۶۴ در جایگاه اول و محله‌ی سادات در رتبه‌ی بعدی قرار دارند. در مجموع، می‌توان اذعان داشت که ساکنان محله‌ی شرکت نفت به علت درآمد بیشتر و وضعیت اقتصادی بهتر نسبت به محله‌ی سادات، توان بیشتری برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مختلف تولیدی دارند. این در صورتی است که شهروندان محله‌ی سادات بیشتر مهاجران روستایی تازه‌وارد به شهر هستند که تقریباً بیش از ۸۰ درصد درآمد خود را صرف خرید مایحتاج روزانه می‌کنند. بدیهی است که این امر امکان سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی را در این بخش از شهر با مشکل مواجه و چه بسا غیرممکن می‌سازد.

جدول ۵- مقایسه رضایت‌مندی شهروندان محلات منتخب از مؤلفه‌های اقتصادی با استفاده از آزمون کروسکال والیس

میانگین	محلات	ضریب معناداری sig	مؤلفه
۲/۹۱	شرکت نفت	۰/۰۰۰	تهیه کالاهای مصرفی و خانگی
۴/۰۴	سادات		
۲/۹۲	شرکت نفت	۰/۲۳۶ns	ایجاد بازارها و بازارچه‌های محلی
۱/۹۸	سادات		
۴/۱۸	شرکت نفت	۰/۰۰۰	امکان سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مختلف تولیدی
۱/۶۸	سادات		
۳/۸۹	شرکت نفت	۰/۰۰۳	توزیع عادلانه ثروت و درآمد در نواحی مختلف شهری
۱/۱	سادات		
۳/۹۸	شرکت نفت	۰/۰۰۳	قدرت خرید بالا جهت تأمین مایحتاج زندگی
۱/۸۷	سادات		
۳/۸۹	شرکت نفت	۰/۰۵۰	وجود فرصت‌های مناسب شغلی
۱/۳۲	سادات		
۲/۸۱	شرکت نفت	۰/۱۶۴ns	وجود تنوع شغلی
۱/۴۵	سادات		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

بُعد اجتماعی-فرهنگی: برای سنجش شاخص‌های توسعه‌یافتگی و زیست‌پذیری در ابعاد اجتماعی-فرهنگی از ۱۲ مؤلفه استفاده شده است. بدین صورت که، ابتدا به مقایسه محلات منتخب به صورت کلی، سپس به سنجش همین مؤلفه‌ها در هریک از محلات پرداخته می‌شود تا میزان اختلاف در رضایت‌مندی از مؤلفه‌های اجتماعی نمایان شود. اطلاعات مندرج در جدول ۶ حاکی از تفاوت معنادار در میزان رضایت‌مندی از مؤلفه‌های آموزش شهرنشینی و شهروندمداری، دسترسی به آگاهی و اطلاعات و پایبندی به رسوم و سنن ملی می‌باشد. به گونه‌ای که رابطه ۹۹ درصدی برای گویه‌های فوق، گویای تفاوت در میزان رضایت‌مندی محلات منتخب می‌باشد. همان‌طور که مشخص است در مورد سایر گویه‌ها اختلاف معنادار بین نواحی دیده نمی‌شود.

جدول ۶- مقایسه رضایت‌مندی شهروندان محلات منتخب از مؤلفه‌های اجتماعی با استفاده از آزمون کروسکال والیس

میانگین	محلات	Sig ضریب معناداری	مؤلفه
۳/۶۳	شرکت نفت	۰/۷۲۶NS	زمینه‌های ایجاد مشارکت شهروندان
۲/۴۶	سادات		
۴/۳	شرکت نفت	۰/۶۶۶	آموزش شهرنشینی و شهروندمداری
۲/۴۱	سادات		
۲/۱۴	شرکت نفت	۰/۳۱۴NS	میزان صمیمیت بین ساکنان محله
۴/۰۱	سادات		
۴/۱۷	شرکت نفت	۰/۹۸۲NS	وجود آرامش در محله‌های شهری
۲/۰۹	سادات		
۴/۸	شرکت نفت	۰/۰۱۸	دسترسی به اطلاعات و آگاهی
۲/۷۶	سادات		
۳/۸۷	شرکت نفت	۰/۴۵۳NS	پایبندی به رسوم و سنن و مراسمات مذهبی
۴/۲۸	سادات		
۳/۹۸	شرکت نفت	۰/۰۰۲	پایبندی به رسوم و سنن ملی
۳/۰۴	سادات		

نتایج حاصل از آزمون کروسکال والیس حاکی از تفاوت معنادار در سطح ۹۹ درصدی در رابطه با مؤلفه آموزش شهرنشینی و شهروندمداری می‌باشد؛ بدین صورت که، محله‌ی شرکت نفت با میانگین رتبه‌ای ۴/۳ در رتبه‌ی اول و محله‌ی سادات شهر دوگنبدان با میانگین ۲/۴۱ در جایگاه بعدی قرار دارند. در واقع، میزان رضایت‌مندی شهروندان ساکن در محله‌ی شرکت نفت بسیار بیشتر از محله‌ی سادات و دیگر محلات قدیمی و بافت فرسوده شهر می‌باشد. دومین مؤلفه‌ای که تفاوت معنادار در میزان رضایت‌مندی را نشان می‌دهد، مؤلفه‌ی وجود آرامش در محله‌های شهری است که با توجه به میانگین‌های به دست آمده، محله‌ی شرکت نفت با میانگین ۴/۱۷ در جایگاه اول رضایت‌مندی و محله‌ی سادات با میانگین ۲/۰۹ در رتبه‌ی دوم قرار دارند. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، رضایت‌مندی ساکنان محله‌ی شرکت نفت بیش از سایر محلات ارزیابی شد، در رابطه با مؤلفه‌های اجتماعی نیز بالاترین سطح رضایت‌مندی مربوط به همین محله می‌باشد. نکته قابل توجه در رابطه با مؤلفه‌های اجتماعی، گویه پابندی به رسوم و سنن مذهبی در شهر دوگنبدان است. مؤلفه مذکور در تمام محلات این شهر رضایت‌مندی بسیار بالا را نشان می‌دهد. در واقع، شهر دوگنبدان به علت داشتن ساختار سنتی و پابندی به آئین مذهبی از برگزاری این‌گونه مراسم در شهر خود رضایت کامل دارند؛ به نحوی که، تفاوتی بین این محلات وجود ندارد.

بعد کالبدی - زیست محیطی: برای سنجش میزان کیفیت محیط زیست و کالبدی شهر، از ۱۲ مؤلفه در این زمینه استفاده شده است. بدین گونه که، به مقایسه میزان رضایت‌مندی شهروندان محلات منتخب از کیفیت محیط‌زیستشان پرداخته است. جدول ۷، نشان‌دهنده میزان تفاوت معنادار در رابطه با هر یک از مؤلفه‌های مربوط به کیفیت محیط‌زیست شهری است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، تفاوت معنی‌دار تا سطح ۹۵ درصد برای بعضی از مؤلفه‌ها به دست آمده است. در واقع، اختلاف بسیار زیادی در بُعد کالبدی - زیست محیطی بین محلات منتخب وجود دارد که میانگین‌های به دست آمده، بیانگر رضایت‌مندی بیشتر ساکنان محله‌ی شرکت نفت به محله‌ی سادات می‌باشد. در مورد

فضای سبز، بوستان و سالم‌سازی محیط‌زیست، رضایت‌مندی محله‌ی شرکت نفت با میانگین رتبه‌ای ۴/۱۵ بیش از دیگر محلات و به‌ویژه محله‌ی سادات می‌باشد. همچنین، در مورد مبلمان و سیما و منظر شهری رضایت‌مندی ساکنان محله‌ی شرکت نفت با میانگین رتبه‌ای ۴/۵۱ بیش از محله‌ی سادات می‌باشد.

در رابطه با مؤلفه‌های پاکیزگی هوا، عدم آلودگی صوتی، خدمات آتش‌نشانی، وضعیت ترافیک و فضای پیاده‌روی، رضایت‌مندی ساکنان محله‌ی شرکت نفت بیش از دیگر محلات به‌ویژه محله‌ی سادات شهر دوگنبدان می‌باشد. در واقع، محله‌ی سادات شهر دوگنبدان به علت نزدیکی به مرکز شهر، تردد وسایل حمل‌ونقل و همچنین، تراکم ابنیه و ساختمان فرسوده علاوه بر آلودگی هوا و آلودگی صوتی، برای رفت‌وآمد و پیاده‌روی شهروندان کمترین فضا را دارا است.

همچنین، در رابطه با مؤلفه‌های جمع‌آوری بهداشتی زباله، سیستم دفع فاضلاب، دفن زباله در مکان مناسب، درختکاری در کنار معابر، جدول‌کشی معابر و بهداشت و کیفیت آب، تفاوت معناداری بین رضایت‌مندی ساکنان محلات مختلف شهر دوگنبدان وجود دارد. در واقع، میزان رضایت‌مندی شهروندان در نواحی مختلف شهر دوگنبدان یکسان نمی‌باشد. یکی از ابعاد مهم در سنجش زیست‌پذیری شهروندان، کیفیت محیط مسکونی است. در این مطالعه، برای سنجش این بخش از زیست‌پذیری در سطح شهر دوگنبدان، ابتدا مساحت زمین و مسکن، سپس وضعیت مسکن از لحاظ مالکیت و قدمت بنا بررسی شد.

جدول ۷- مقایسه رضایت‌مندی شهروندان محلات منتخب از مؤلفه‌های زیست-

محیطی با استفاده آزمون کروسکال والیس

میانگین	محلات	ضریب معناداری sig	مؤلفه
۴/۱۵	شرکت نفت	۰/۰۳۷	فضای سبز، بوستان و سالم‌سازی محیط زیست
۱/۵۵	سادات		
۳/۸۱	شرکت نفت	۰/۹۴۷NS	جمع‌آوری بهداشتی زباله و سیستم دفع فاضلاب
۲/۰۶	سادات		
۳/۴۲	شرکت نفت	۰/۸۶۶NS	دفن زباله در مکان مناسب
۱/۹۸	سادات		
۳/۸۹	شرکت نفت	۰/۱۴۰NS	درختکاری در کنار معابر
۱/۰۹	سادات		
۴/۵۱	شرکت نفت	۰/۰۱۵	مبلمان و سیما و منظر شهری
۲/۰۲	سادات		
۳/۸۹	شرکت نفت	۰/۱۲۰NS	جدول‌کشی معابر
۲/۷۶	سادات		
۳/۸۷	شرکت نفت	۰/۰۴۲	کیفیت هوا
۳/۰۶	سادات		
۲/۸۷	شرکت نفت	۰/۲۷۲NS	بهداشت و کیفیت آب
۲/۶۲	سادات		
۳/۷۲	شرکت نفت	۰/۰۰۱	آرامش به دلیل عدم وجود سروصدا
۲/۸۷	سادات		
۳/۰۲	شرکت نفت	۰/۰۰۷	وضعیت ترافیک
۳/۱۱	سادات		
۳/۱۴	شرکت نفت	۰/۰۱۱	فضای پیاده و پیاده‌روی
۱/۱۸	سادات		
۳/۱۵	سادات	۰/۰۰۷	بهداشت محیط‌زیست
۱/۶۲	شرکت نفت		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

جدول ۸- بررسی وضعیت مسکن و زمین محلات منتخب با استفاده از آزمون F مستقل یک طرفه

مؤلفه	میانگین امتیاز	درجه آزادی	F	ضریب معناداری
مساحت زمین	۸۵۵۱۴	۲	۵/۰۰۳	۰/۰۰۷
مساحت مسکن	۳۳۷۰۶	۲	۳/۳۴۷	۰/۰۳۷

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشترین میانگین وسعت قطعات زمین مربوط به محله‌ی شرکت نفت با میانگین ۳۴۱ متر و کمترین وسعت مربوط به محله‌ی سادات با میانگین ۱۵۷ متر است.

جدول ۹- گروه‌بندی مساحت زمین در محلات منتخب شهر دوگنبدان با استفاده از F مستقل یک طرفه/تست دانکن

محلات	تعداد	مقدار زیرمجموعه‌ها برای ضریب معناداری ۹۵ درصد
شرکت نفت	۹۲	طبقه اول
		۳۴۱
سادات	۱۰۸	۱۵۷

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

بنابراین اختلاف معناداری که در جدول ۱۰ به دست آمده بود مربوط به اختلاف اندازه قطعات زمین بین محلات منتخب می‌باشد. همچنین، مساحت مسکن در محلات منتخب شهری دوگنبدان با هم مقایسه و اختلاف بین آنها مشخص شده است.

جدول ۱۰- گروه‌بندی مساحت مسکن در محلات منتخب شهر دوگنبدان با استفاده از F مستقل یک طرفه/تست دانکن

محلات	تعداد	مقدار زیرمجموعه‌ها برای ضریب معناداری ۹۵ درصد
شرکت نفت	۹۲	طبقه اول
		۱۸۰
سادات	۱۰۸	۹۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

خدمات شهرداری: اکنون برای تقویت یافته‌های به دست آمده، به مقایسه‌ی میزان رضایت شهروندان محلات مختلف از ارائه خدمات از سوی سازمان‌های متولی شهری پرداخته می‌شود. نتایج حاصل از آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد که فقط در مورد مؤلفه «گسترش شبکه حمل و نقل عمومی» تفاوت معنادار تا سطح ۹۹ درصد میان محلات مختلف شهری وجود دارد و برای بسیاری از مؤلفه‌ها از جمله؛ ایستگاه آتش‌نشانی، فضای سبز، ایجاد سیل‌بند و مبلمان شهری تفاوت معنادار تا سطح ۹۵ درصد به دست آمده است و مابقی گویه‌های اشاره شده در جدول ۱۱، تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهند. به عبارت دیگر، میزان رضایت شهروندان محلات مختلف مشابه هم می‌باشند.

جدول ۱۱- مقایسه میزان رضایت‌مندی شهروندان نسبت به خدمات شهرداری

ردیف	مؤلفه	ضریب معناداری sig	مجلات	میانگین
۱	ایستگاه آتش‌نشانی	۰/۰۴۶	شرکت نفت	۳/۱۹
			سادات	۲/۶۷
۲	فضای سبز، بوستان و سالم‌سازی محیط‌زیست	۰/۰۳۷	شرکت نفت	۳/۹۸
			سادات	۲/۰۹
۳	طرح‌های حفاظت از مراتع و منابع طبیعی	۰/۰۸۸NS	شرکت نفت	۲/۶۷
			سادات	۲/۲۸
۴	دفع بهداشتی زباله‌ها و فاضلاب‌ها	۰/۹۴۷NS	شرکت نفت	۳/۸۱
			سادات	۱/۸۹
۵	تفکیک زباله	۰/۰۶۴NS	شرکت نفت	۴/۰۹
			سادات	۲/۲۸
۶	دفن زباله در مکان مناسب	۰/۸۹۶NS	شرکت نفت	۳/۷۶
			سادات	۲/۰۳
۷	ایجاد سیل‌بند و جمع‌آوری سیلاب	۰/۰۲۲	شرکت نفت	۲/۹۸
			سادات	۱/۷۸
۸	درختکاری کنار معابر	۰/۱۴۰NS	شرکت نفت	۴/۰۸
			سادات	۲/۰۵
۹	جدول‌کشی معابر	۰/۱۲۰NS	شرکت نفت	۴/۱۱
			سادات	۲/۱
۱۰	توسعه شبکه حمل و نقل عمومی	۰/۵۰۰	شرکت نفت	۳/۷۸
			سادات	۲/۸۷
۱۱	مبلمان شهری	۰/۰۱۵	شرکت نفت	۳/۸۰
			سادات	۱/۹۷

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

دسترسی به زیرساخت‌های شهری: نتایج به دست آمده از آزمون کروسکال والیس تفاوت میزان رضایت‌مندی شهروندان در مورد مؤلفه دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، دسترسی به مراکز ورزشی، فرهنگی، هنری و تاریخی و همچنین، دسترسی به بانک‌ها را نشان می‌دهد. در واقع، فقط در مورد سه مؤلفه مذکور اختلاف معناداری تا سطح اطمینان ۹۵ درصد بین محلات منتخب وجود دارد و در بقیه موارد، میزان دسترسی به این خدمات وضعیت مشابهی دارند (جدول ۱۲).

جدول ۱۲- مقایسه میزان دسترسی محلات منتخب به خدمات و زیرساخت‌ها با استفاده از آزمون کروسکال والیس

ردیف	مؤلفه	ضریب معناداری sig	محلات	میانگین
۱	دسترسی به مراکز خرید کالاهای اساسی	۰/۴۶۱NS	شرکت نفت	۳/۸۴
			سادات	۳/۰۱
۲	دسترسی به بانک‌ها و مراکز مالی	۰/۰۴۴	شرکت نفت	۳/۹۱
			سادات	۳/۱۰
۳	دسترسی به بوستان‌ها و مبللمان شهری	۰/۵۱۱NS	شرکت نفت	۳/۸۶
			سادات	۲/۱۵
۴	دسترسی به شبکه حمل‌ونقل عمومی	۰/۰۴۲	شرکت نفت	۴/۱۸
			سادات	۲/۱۹
۵	دسترسی به مکان‌های آموزشی و سایر مکان‌های وابسته	۰/۷۶۷NS	شرکت نفت	۴
			سادات	۲/۶۱
۶	دسترسی به مراکز ورزشی، فرهنگی، هنری و تاریخی	۰/۰۱۴	شرکت نفت	۳/۱۱
			سادات	۲/۳۴
۷	دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی	۰/۹۲۸NS	شرکت نفت	۴/۱۸
			سادات	۲/۴۹

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

نتیجه‌گیری

هرچند که ارتقاء زیست‌پذیری در مقیاس‌های فردی و اجتماعی از دیرباز مورد توجه برنامه‌ریزان قرار داشته است، اما در دهه‌های اخیر و با اولویت یافتن هدف توسعه و

تدوین آنها در قالب برنامه‌های توسعه، به تدریج نگرش انسانی و جامعه‌شناختی درباره زیست‌پذیری در ادبیات توسعه و همچنین، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشورهای پیشرفته راه یافته است. با گسترش رویکرد انسانی و ورود مفهوم زیست‌پذیری در ادبیات توسعه پایدار و برنامه‌ریزی اجتماعی و اقتصادی نوین، مراکز و مؤسسات بسیاری به مطالعه درباره مفهوم کیفیت زندگی، شاخص‌های سنجش و چگونگی ارتقاء آن می‌پردازند. با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش، می‌توان اذعان نمود که محلات شهر دوگنبدان در وضعیت مطلوبی در ابعاد مختلف زیست‌پذیری و شهر پایدار قرار ندارند اما در بین دو محله‌ی منتخب محله‌ی کارکنان شهرک نفت بنابر دلایل متعدد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی در وضعیت مطلوب‌تری قرار دارد. مهم‌ترین دلایل تفاوت بین محلات و بخصوص پایین بودن سطح زیست‌پذیری در بین محلات مورد بررسی را می‌توان این موارد دانست: نبود طرح خدمات شهری مناسب، نبود آسفالت مناسب، فاضلاب‌های سطحی و روباز در محله سادات، توجه نکردن مجموعه مدیریت شهری به تنظیف و بهداشت شهری، کمبود آب آشامیدنی بهداشتی و سالم، متصل نبودن به سیستم حمل و نقل شهری هوشمند، بیکاری و غالب بودن اشتغال کاذب و پنهان، تکثر کسبه و دستفروشی‌ها، سوء تغذیه و بدمسکنی، گسترش آسیب‌های اجتماعی، تبعیض - اجتماعی و خدماتی و امنیت ناپایدار مهمترین مشکلات محلات به ویژه در محله سادات با شدت بیشتر با زیست‌پذیری پایین هستند.

برخی از راهکارهایی که می‌تواند منجر به ارتقاء شرایط زیست و کاهش مشکلات شهری در شهر دوگنبدان گردند عبارتند از:

- ❖ اشتغال‌زایی و تأمین امنیت شغلی شهروندان ساکن در محلات بافت فرسوده از طریق آموزش، آگاهی بخشی و برگزاری کارگاه‌های مهارت ورزی و کارورزی؛
- ❖ تسریع در بازآفرینی بافت فرسوده محلات شهر نظیر محله سادات به منظور ارتقاء کیفیت زیست و مقاوم‌سازی ابعاد کالبدی محلات و کاهش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی

- ❖ تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های جهت سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی و کاهش فقر؛
- ❖ توسعه و گسترش امکانات آموزشی (کلاس آموزشی و مهارت، مهدکودک، مدارس و ...) با دسترسی‌های مناسب در سطح محلات فرسوده شهر؛
- ❖ تقویت و توسعه ناوگان حمل‌ونقل عمومی یکپارچه، آسفالت و بهسازی معابر به‌ویژه در بافت‌های فرسوده؛
- ❖ طراحی و ایجاد فضاهای مکث و تنفس در محلات بافت فرسوده به‌منظور استراحت و تجمع همسایگان، افزایش تعاملات اجتماعی و همسایگی ساکنین؛
- ❖ بهبود نورپردازی و روشنایی معابر و فضاهای عمومی نظیر پارک‌ها و بوستان‌ها به‌منظور افزایش ایمنی و امنیت ساکنین؛
- ❖ حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و خانگی در قالب سهولت در اعطای وام و تسهیلات به‌منظور ایجاد شغل و درآمدزایی برای ساکنان منطقه؛
- ❖ توجه به زیبایی منظر ساختمان‌ها و فضاهای شهری و کیفیت خیابان‌ها و معابر عمومی و همچنین جلوگیری از انباشتن نخاله‌های ساختمانی حاصل از ساخت‌وساز در حاشیه خیابان‌ها.

منابع

- Bandarabad, A. (2011). The livable city from theory to the meanings. Tehran: Azarakhsh publications.
- Cities, P. L. U. S. (2003). A sustainable urban system: the long-term plan for greater Vancouver. Vancouver, Canada: cities PLUS.
- EIU (Economist Intelligence Unit). (2014). From <http://www.economistgroup.com>.
- Endalib, A. (2008). Renovation process of worn tissues in Tehran. Tehran: Renovation organization of Tehran city, Reypour publishing.
- Fahy, F. (2007). Galway 21: Implementing the Principles And Practices sustainable Development in Galway city council. 1st End, Environmental Protection Agency.USA.
- Ghorbani, M., Shokoohi, M.A., Rahnama, M. R., Kharazmi, O. A. (2016). Analysis of urban livability with emphasis on security and sustainability

- index (case study: Mashhad metropolice). *Journal of Political Geography Research*, 1, 129-154.
- HARP. (2005). *livably communities: An Evaluation Guid*, public policy instituty, Washington.
- Hai-Yan, H., & Xun-Gang, Z. (2012). AHP-based Evaluation System Model of Livable Cities. *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 34-40.
- Isalu, A., Bayat, M., Bahrami, A. A. (2014). A new approach to improve the quality of life in rural communities (case study: Qom province, Kahak district). *Journal of Housing and Rural Environment*, 146, 107-120.
- Khorasani, M. A., Rezvani, M. R. (2012). Evaluation and assessment of components of livability in peri-urban rural settlements: case study Varamin Township. *Journal of Local Development (Rural-urban)*, 4, 89-110.
- Mohammadi, M. (2012). Investigating and identifying the criteria for measuring urban livability and providing solutions to achieve the optimal spatial model of a livable city. Master of Thesis, Faculty of Art and Architecture, Kerman Azad university.
- Radcliff, B. (2001). Politics, markets and lifesatis faction: the Political economy of human happiness. *American Political science Review*.
- Rosemary, D. (2005). City center regeneration through residential development: Contributingto sustainability. *Urban Studies Journal*, Vol 42, No 13.
- Sasanpour, F., Tavalaiy, S., Jafari Asadabadi, H.(2015). Study of urban livability in Twenty-Two districts of Tehran metropolitan. *Journal of Regional planning*, 18, 27-42.
- Sasanpour, F., Tavalaiy, S., Jafari Asadabadi, H.(2014). Livability of cities for sustainable urban development. *Journal of Geography*, 42, 129-158.
- Saitluanga, B. L. (2014). Spatial pattern of urban livability in Himalayan Region: A case of Aizawl City, India. *Social indicators research*, 117(2), 541-559.
- Salzano, E. (1997). Seven Aims for the livable City In Lennard, S.H., S von Ungern-Sternberg, H.L.Lennard (Eds.), *Making Cities Livable*. International Making Cities Livable Conferences (pp.164-179). California, USA: Gondolier Press.
- Shamsuddin, S., Hassan, N. R. A., & Bilyamin, S. F. I. (2012). Walkable environment in increasing the liveability of a city. *Procedia-Soc. Behav. Sci*, 50, 167-178.
- Statistics Center of Iran Statics Center of Iran. (2015). Detailed results of the general census and housing population of Gachsaran city.
- Takht folad Consulting engineers. (2008). Worn texture plan of Dogonbadan city.

- Timmer, V., & Seymour, N. K. (2005). Vancouver Working Group Discussion Paper. In The World Urban Forum 2006.
- VanZerr, M., Seskin, S. (2011). Recommendations Memo Livability and Quality of Life Indicators.
- Wheeler, S. M. (2001). Planning sustainable and livable cities: Sustainable Urban Development Reader.



Comparative assessment of the sustainable livability in urban neighborhoods: A case study of the neighborhood of the oil company staff and Sadatshahr in the city of Dogonbadan

Hossein Jannati, PhD Researcher of Geography and Urban Planning, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

Ahmad Esteghlal¹, Assistant Professor of Urban Planning, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

Ali Almodaresi, Associate Professor of Remote Sensing and Gis, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

Mohammad Reza Rezaei, Associate Professor of Geography and Urban Planning, Yazd University, Yazd, Iran

Maliheh Zakerian, Assistant Professor of Geography and Urban Planning, Meybod Branch, Islamic Azad University, Meybod, Iran

Received: 26-10-2019

Accepted: 10-08-2020

Introduction: Dogonbadan City is located in Gachsaran County in the southern part of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province. Since the beginning of oil extraction, this region has been divided into two different residential areas in terms of living conditions. One area belonged to the employees of the Oil and Gas Company and the other was the residence of the natives of the region. In this division and accommodation, the employees of the oil company, while provided with all kinds of free services, were accommodated on flat fields and wide streets built according to international standards (as it is still the case). On the other hand, the natives of the region were settled on the hills near the city of Dogonbadan for unknown reasons, which denotes a kind of spatial injustice in the city. According to some studies, it seems that there is a relationship between the physical-environmental components, livelihood-economic base and social base of the citizens on one hand and the livability of the neighborhoods on the other hand. This study intends to pathologically examine the most important components affecting the promotion of urban livability by emphasizing the physical, spatial, social and cultural dimensions. Finally, solutions are provided to reduce the spatial injustice and improve the livability of the neighborhoods.

Methodology: The present study is of an applied descriptive-analytical type. The statistical population consisted of the residents of Sadat neighborhoods (old texture) and the employees of the oil company (new texture) in Dogonbadan. The Cochran method was used to estimate the sample size, and 200 respondents were selected through random sampling. The respondents were the heads of households, owners, investors, officials and city managers in Dogonbadan. The data required for the research were evaluated through the SPSS and AMOS software programs.

¹ Corresponding Author Email: a.esteghlal@iauyazd.ac.ir

Results and Discussion: According to the results, the situation in the neighborhoods of Dogonbadan is unfavorable in all the components of livability. For instance, in the economic dimension, the Kruskal-Wallis test showed the low satisfaction of the citizens in Sadat neighborhood with an average of 1.87 as compared to the higher level of satisfaction of the oil company neighborhood with an average of 4.01. In the socio-cultural dimension, the results of the Kruskal-Wallis test show a significant difference at the level of 99% in terms of the component of urban education and citizenship; the neighborhood of the oil company with an average of 4.3 stood in the first rank, and Sadat neighborhood of Dogonbadan with the average of 2.41 took the next position. In the physical-environmental dimension, to measure the quality of the environment and the physicality of the city, 12 components were used in this field. The results showed a significant difference of up to 95% for some components. In fact, there was a huge difference in the physical-environmental dimension between the selected neighborhoods, and the obtained averages showed that the residents of Sadat neighborhood were less satisfied than those in the oil company neighborhood. Finally, to confirm the findings, the satisfaction levels of the citizens of different neighborhoods with the services provided by the responsible organizations in the city were compared. As the results of the Kruskal-Wallis test showed, only in the component of public transport network expansion, there was a significant difference of up to 99% between the different urban areas; for many components such as fire station, green space, flood dam and urban furniture, there were significant differences of up to 95%. The other items were not significantly different.

Conclusion: According to the results of this study, it can be claimed that the neighborhoods of Dogonbadan are not in a favorable situation in various aspects of livability and urban sustainability. However, of the two selected neighborhoods, the residents of the oil town are in a better situation due to various social, economic and environmental advantages. The most important reasons for the differences, especially the level of livability, between the studied neighborhoods seem to be lack of proper urban services, lack of proper asphalt, surface and open sewage in Sadat neighborhood, urban management complex paying no attention to cleanliness and urban health, lack of safe drinking water, lack of connection to the smart urban transportation system, unemployment and the prevalence of false and hidden jobs, proliferation of businesses, malnutrition and homelessness, the spread of social harms, social and service discrimination and unsustainable security. The neighborhoods, especially in Sadat neighborhood, are disadvantageous in terms of bioavailability.

Keywords: Dogonbadan, Livability, Quality of life, Sustainability.